

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران، میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصبوی، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • شماره: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: مصمیم

روزنامه شتر

یکشنبه ۶ خرداد ۱۴۰۳ • ۱۷ ذی‌القعده ۱۴۴۵ • ۲۶ می ۲۰۲۴ • سال بیست‌ویکم • شماره ۴۸۴۱ • ۱۲ صفحه • اذان ظهرتهران ۱۲:۰۱ • اذان مغرب ۱۹:۲۲ • اذان صبح فردا ۲:۰۹ • طلوع آفتاب ۴:۵۲

www.sharghdaily.com

aparat:tasvirshargh

Telegram:SharghDaily

youtube:sharghdaily

twitter:sharghdaily

instagram:sharghdaily1

نیمی از اصناف مالیات نمی‌دهند!‌



پویا نعمت‌اللهی

روزنامه‌نگار

رئیس سازمان امور مالیاتی سال گذشته اظهار کرده بود که سازمان متبوعش مرعوب فضاسازی‌ها در فضای مجازی نمی‌شود و هرکسی که فعالیت اقتصادی دارد باید مالیات بپردازد. این دو جمله آخر ندهتنها سیاست صحیح و درست این سازمان، بلکه یک خواست عمومی هم محسوب می‌شود. اما انتشار گزارش اخیر در روزنامه ایران، با این حجم از داده‌های خام را نمی‌توان اقدامی در راستای همان سیاست درست و دقیق ارزیابی کرد. معمولا استراتژی‌های مالیات‌ستانی باید عطف به یک گذشته و با نگاه به افق پیش‌رو باشد و ارقام آن بتواند درک درستی از وضعیت آن سیاست را در نسبت با شرایط کلی اقتصاد کشور به دست دهد.

با امعان نظر به این واقعیت، اکنون باید سؤال کرد که این گزارش دنبال بازنمایی چه موقعیتی است؟ هرچند پاسخ این پرسش می‌تواند قضایتی باشد، اما در شرایطی که قرینه دیگری از وضعیت در دست نیست، چاره‌ای جز قضاوت باقی نمی‌ماند. با این اوصاف، دور از ذهن نیست در شرایطی که عامه مردم در فشار اقتصادی کمرشکن کنونی ناگزیر از پرداخت انواع مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم و آشکار و پنهان هستند، چپ‌سای این گزارش می‌خواهد تسکین اندکی برای مردم باشد.

امسا در یک وانمود کاملا متفاوت، می‌توان این گزارش را یک سند ناخوشایند برای وضعیت کلی اقتصاد کشور قلمداد کرد. اقسار گوناگونی از مردم و خصوصا کارمندان و کارگران همواره مالیات خود را بیش از دریافت حقوق‌شان پرداخت کرده‌اند. مازاد بر آن، به عناوین مختلف نیز ناچار از پرداخت‌های ععیده‌ای ذیل عناوین

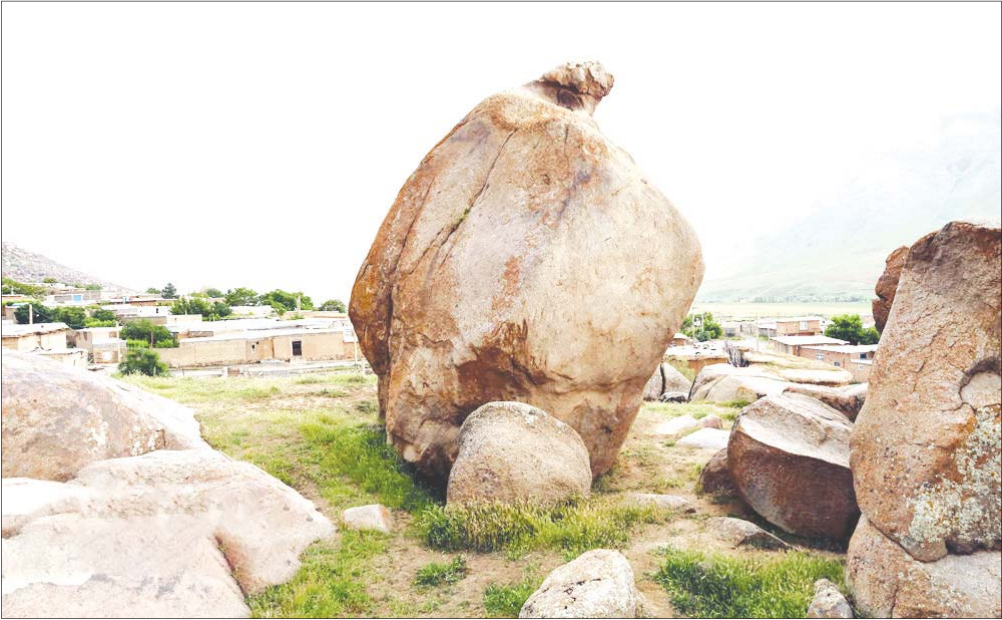
زمین‌خوانی

تفتان فعال می‌شود؟



مهدی زارع

آتشفشان به‌عنوان «برخاستن ابرهای دودزا» توصیف شد. پژوهش‌های قبلی نگارنده نشان می‌دهد که این فوران‌ها با فعالیت زلزله همراه بود. در فوران سال ۱۹۰۲، دود شدید و درخشش شبانه‌روی آتشفشان مشاهده شده و فوران در سال ۱۹۹۳ شامل یک جریان گدازه‌ای به طول ۶۰ متر گزارش شده است. البته ممکن است جریانی از گوگرد مذاب در سال ۱۳۷۲ موجب تصور سر‌رازیدن گدازه شده باشد. آتشفشان تفتان فعالیت فومرولی شدیدی را در درجه‌هایی با دمای بالا در اطراف دهانه نشان می‌دهد. فومرول‌ها عمدتا در شرق و در لبه دهانه غربی، به صورت بازدم‌های گاز از سوی مردم محلی به نام «دود» شناخته می‌شود و به صورت ابرهای زرد مایل به سفید با بوی تند ظاهر می‌شوند. درجه‌هایی که از آن بیرون می‌آیند، شکل ترک و شکاف دارند. ستون‌های دود – فومرول‌های – بزرگ‌تر می‌توانند به قطر یک متر برسند. وقوع انفجارهای گرمایی از حضور سنگ‌های برش‌های ساخته‌شده آتشفشانی استنباط شده است. گزارش شده است که در سال ۱۸۹۷ بوی فومرول به قدری قوی بود که وقتی کسی نزدیک درجه‌ها بود، تحمل‌ناپذیر بود. هفت درجه بخار در ارتفاع سه‌هزارو ۷۰۰ متری صدای قابل شنیدن



روستای خورج بیرانشهر در فاصله ۲۰ کیلومتری شمال شرقی این شهر بر سر راه مهاباد و نقده واقع شده است.

این روستا در مجاورت منطقه‌ای قرار دارد که با سنگ‌های عظیم الجثه‌ای احاطه شده است سنگ‌های افسانه‌ای خرنج به طرز شگفت‌انگیزی روی هم انباشته شده‌اند. عکس: بهزاد گلستانی، پانا

گزارش‌خوانی

تنهاترین افراد بشر

بعد از وقوع همه‌گیری کووید ۱۹ وقتی مدارس تعطیل شدند، دختران سعی کردند به خود اطمینان بدهند که پس از پایان قرنطینه ناشی از آن، همه چیز دوباره درست خواهد شد. آنها پیش‌بینی نمی‌کردند وقتی به کلاس بازمی‌گردند، تا چه اندازه وضعیت عجیب به نظر می‌رسد و چگونه در نهایت احساس گناه می‌کنند، حتی زمانی‌که قوانین فاصله‌گذاری اجتماعی را زیر پا نگذاشته بودند. این وضعیت عجیب‌وغریبی از یک گروه ۱۴،۱۵ساله بود که در قرنطینه غوطه‌ور بودند و نمی‌توانستند در دوره قرنطینه با یکدیگر تماسی داشته باشند، جز با تلفن و نگاهن زمانی که از قرنطینه خارج شدند، به آنها گفته شد: «خب، دوباره انسان‌های عادی باشید، اما به آنها نگفتند چگونه می‌توانید این کار را انجام بدهید؟». نانومی که اکنون ۱۸ساله است و در شمال غربی انگلستان سکونت دارد، می‌گوید: «ما نسل

کم‌شده‌ای هستیم». فرارو گزارشی را که درباره نوجوانان دوران همه‌گیری و جوانان کنونی در نشریه نیواسایتسمن منتشر شده، ترجمه کرده است که در ادامه بخش‌هایی از آن می‌آید. طبق این گزارش، سال گذشته تعداد کودکان و نوجوانان مراجعه‌کننده به خدمات بهداشت روان، رکورد بالایی داشت. ارقام سرویس سلامت ملی بریتانیا نشان می‌دهد در سال ۲۰۲۳ میلادی، ۲۰۰۸ درصد از زن‌های ۱۷ تا ۱۹ساله دچار اختلال غذاخوردن بودند؛ درحالی‌که این رقم در سال ۲۰۱۷، ۱.۶ درصد بود. در میان دختران و زنان جوان، میزان پذیرش در بیمارستان برای آسیب‌رساندن به خود نیز به طور چشمگیری افزایش یافته است. در میان بپسران و مردان جوان نیز میزان ابتلا به بیماری روانی و خودآزاری افزایش یافته است، البته نه به اندازه دختران. آمار تنها بخشی از داستان از بیان می‌کند، شروع به پرسیدن کنید؛ سپس متوجه خواهید شد آن نوجوانان تا چه اندازه مضطرب، ناراضی و از نظر اجتماعی گوشه‌گیر به نظر می‌رسند. تعداد دانش‌آموزانی که می‌گویند در مدرسه احساس تنهایی می‌کنند، در فاصله دوبرابری یافته است و بریتانیایی‌های ۱۶ تا ۲۹ساله، دو برابر بیشتر از افراد بالای ۷۰ سال احساس تنهایی می‌کنند. نتایج گزارش اندیشکده‌ای بریتانیایی نشان داد از هر پنج بریتانیایی ۱۸ تا ۲۴ساله، یک نفر هیچ دوست صمیمی‌ای ندارد. این میزان در مقایسه با دهه گذشته، افزایش سه‌برابری یافته است.

از لحاظ تاریخی، شبکه اجتماعی دوستان افراد با افزایش سن آنها کمتر می‌شود، اما امروزه جوانان بریتانیایی دوستان کمتری در مقایسه با افراد مسن‌تر دارند. شواهد از بریتانیا و دیگر کشورهای غربی نشان می‌دهد نسل Z، افرادی که بعد از سال ۱۹۹۷ به دنیا آمده‌اند، نه‌تنها تنهاترین گروه در آن کشورها هستند؛ بلکه ممکن است تنهاترین نسل تاریخ بشریت باشند. چرا نوجوان بودن در سال ۲۰۲۴ چنین تجربه تنهایی است؟ کودکانی که در فقر نسبی زندگی می‌کنند، دو برابر بیش از همسالان مرفه‌تر خود تنها هستند

آیا استفاده بیش از حد از رسانه‌های اجتماعی، افراد را افسرده می‌کند؟ در حقیقت برنامه‌های رسانه‌های اجتماعی که نوجوانان برای در ارتباط باقی‌ماندن از آن استفاده می‌کنند، هرگز برای کمک به ما در ایجاد و حفظ روابط خوب طراحی نشده‌اند. آن برنامه‌ها ساخته شده‌اند تا توجه ما را به خود جلب و کسب درآمد کنند و ما آموخته‌هایم شرکت‌های فناوری تقریباً هر آن چیزی را که می‌تواند توجه و نگاه‌مان را به سمت آنها نگه دارد، به نوجوانان و همه ما نشان می‌دهند. دروغی که شرکت‌های رسانه‌های اجتماعی فروخته‌اند، این است که همبستگی و مراقبت از راه دور امکان‌پذیر است؛ درحالی‌که تجسم آن دو به صورت فیزیکی امکان‌پذیر است. وقتی جوان هستید، احساس می‌کنید آسیب‌ناپذیر هستید، اما دیر یا زود همه ما یاد می‌گیریم که مراقبت یک هشتگ یا رشته‌ای از ایموجی‌های قلبی نیست؛ بلکه لمس‌کردن، حضور و در عمل کنار دیگران بودن است. جای تعجب نیست که اتصال دیجیتال موجب می‌شود بسیاری از ما احساس ناقصی داشته باشیم. رسانه‌های اجتماعی به دور از «جمع‌کردن جهان»، آن‌گونه که فیس‌بوک زمانی وعده داده بود، به موتوری برای قطع ارتباط جمعی تبدیل شده‌اند. وقتی بدانیم دوستی و ارتباط با فضایی مانند فروتنی، تفاهم و مهربانی پرورش می‌یابد، این زمان متوجه می‌شویم سایت‌ها و رسانه‌های اجتماعی بدترین را درباره همه ما به نمایش می‌گذارند و به طور نامتناسبی به جوانان آسیب می‌رسانند، کسانی که هنوز در تلاش سه میلیارد مترمکعب آب در بخش کشاورزی کاهش پیدا کرده و پنج میلیارد مترمکعب از نازاری آب کم شود.

۱۵۰ میلیارد مترمکعب

یک کارشناس آب به اینا گفت: «ایرانیان ۱۵۰ میلیارد مترمکعب بیشتر از آنچه در طول سه دهه اخیر وارد آبخوان‌ها شده، برداشت داشته‌اند و این باعث فرونشست زمین در محدوده‌ای به مساحت دست‌کم ۵۷ هزار کیلومترمربع با میزان به طور متوسط یک سانتی‌متر در سال شده است». این در حالی است که طبق اهداف برنامه‌ریزی‌شده، هر سال باید سه میلیارد مترمکعب آب در بخش کشاورزی کاهش پیدا کرده و پنج میلیارد مترمکعب از نازاری آب کم شود.

یاد

پایان یک نویسنده جوان از خانواده امرایی

نیلوفر ما هم بود…



شبیه بدی بود. شبیه‌ای که با خسر رفتن «نیلوفر امرایی» در هسان ساعت‌های اولیه آغاز شد.

نیلوفر را تقریبا همه بچه‌های مطبوعات می‌شناهند. یکی از دختران «اسدالله امرایی» مترجم شناخته‌شده و خواهر «امیلی امرایی». هر دو خواهر سال‌هاست که در مطبوعات و فرهنگ ایران در کنار پدرشان حضور پررنگی داشتند و دارند. نیلوفر امرایی، دختر جوان‌تر است، او را به عنوان فعال ادبیات کودکی هم می‌شناسیم. چند کتاب‌ترجمه کرده، در حوزه نشر کتاب‌های کودک و نوجوان فعال است و مدت‌ها در سایت‌های کتاب کودک می‌نوشته و گزارش تهیه می‌کرده است. از روزنامه اعتماد و شرق تا هم‌شهری کودک و ایندا. «آشپزخانه خانم گیلاس»، «با یک فکر بچه‌چر کار می‌توان کرد» و «ساعت‌ها: کتاب فعالیت همراه با نقاشی، رنگ‌آمیزی و برچسب» و «آموزش در خانه (عددها)» چندتا از کتاب‌هایی است که از او به ی یادگار مانده است. نام کتاب‌هایش بارها در فهرست لایکشت پرنده قرار گرفته بود. «نیلوفر امرایی» تنها ۳۶ سال داشت و فرصت زیادی برای زندگی نداشت. ابوالفضل بانى، مدیر مؤسسه بهاران گفت: «متأسفانه صبح (شنبه، پنجم خرداد) نیلوفر از دست رفت. نیلوفر بیماری زمینه‌ای داشت و امروز دچار افت قند شد و متأسفانه از دست رفت».

بسیاری در شبکه‌های اجتماعی درباره از دست رفتن «نیلوفر امرایی» نوشته بودند، بسیاری به‌تازده از این مرگ نابینگام، نابوری خود را توصیف کرده بودند.

انگار پشتمان شکسته است

علی‌اصغر سیدآبادی نوشت: «امرایی‌ها هر چهارنفرشان، نیلوفر و امیلی و آقا اسد و اکرم خانم در گرفتاری‌ها و درد دیگران کنارشان هستند. فلانی پول پیش خانه‌اش را ندارد، وامی جور کنیم. بهمانی عزیزش را از دست داده و با این مشکل روبه‌روست برطرفش کنیم. از فلانی خبر دارید؟ مدت‌هاست که بی‌کار است و کاری ندارد، کاری برایش جور کنیم. آن یکی مدت‌هاست افسرده است و از خانه بیرون نمی‌آید، فکری برایش کنیم. آن دیگری با ناشر مشکل پیدا کرده واسطه شویم که رفع و رجوع شود و این فهرست تمامی ندارد و آن قدر آدم‌هایش با هم فرق دارد که آدم در سوخته‌منرب آنها شگفت‌زد می‌شود… حالا این خانواده عزیز در غم نیلوفرشان که نیلوفر ما هم بود، خواهر کوچک ما هم بود، عزادارند. حالا ما آدم‌های بی‌دست و پا و نابلد باید به کسانی تسلی بدهیم که وجودشان تسلی بود و همیشه در درها و گرفتاری‌ها پشتمان به آنها گرم بود و حالا انگار پشتمان شکسته است». محمدعلی ابطحی نوشت: «مرگ ناباورانه خانم نیلوفر امرایی، نویسنده خوب و مهربان دل‌های دوستان را آتش زد. به پدر دانشمندش اسدالله امرایی، مترجم نامدار و به مادرش و به خواهر رنج‌دیده‌اش امیلی امرایی تسلیت می‌گویم».

مریم مجد، عکاس شناخته‌شده نوشت: «تو برای بودن تو این دنیا جنگیدی ما عادت نداریم به نبودنت عادت نداریم به نشنیدن حرفات کاش زمان وای می‌ایستاد…». فهرست کسانی که نوشته‌اند طولانی است، احمد پوری، کاوه فولادی‌نسب، سمیه نوروزی، نگار اسکندرفر، لیلی فرهادپور، سعید شریعتی و…

داغ بزرگ

تنها چندساعتی بعد از آن اتفاق، بسیاری به خانه «اسدالله امرایی» شتافتند. او با صورت تکیده و رنگ‌پریده، در شوک این مصیبت جلوی خانه‌شان قدم می‌زد. «اکرم خانم» مادر نیلوفر امرایی، نام دختر جوانش را فریاد می‌زد. حاضران از ته دل می‌گریستند. کسی را یارای تسلی برای این داغ بزرگ نبود. «امیلی امرایی» پشت تلفن زار زار می‌گریست.

برای تسلیت غم بزرگ خانواده امرایی، کلمه‌کم آوردیم، مثل بسیاری از دوستانشان که نمی‌دانستند با چه کلماتی به این خانواده غمگین تسلی دهند. با لکتن زبان می‌توانیم بگوییم که شریک غمشان هستیم و در کمال ناباوری امروز مراسم خاکسپاری در بهشت زهرا! برای «نیلوفر امرایی» عزیز برگزار می‌شود.